

## مبانی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت

داود نوجوان

### چکیده

«تغییر جنسیت» یکی از موضوعات مهمی است که موجب پیدایش مسایل جدید فقهی و حقوقی شده است. از جمله این مسایل جواز و عدم جواز این عمل و آثار فقهی و حقوقی مرتبط با این پدیده است. در این مقاله دو مسأله فوق مورد بررسی قرار گرفته و روشن شده است که اگر این عمل بر روی شخصی که دارای اختلالات فیزیکی در دستگاه تناسلی خود می باشد (خنثای فیزیکی یا بدنی) انجام گیرد، مشروع و جایز می باشد. ولی اگر بر روی کسی که هیچ گونه مشکل جنسی جسمی یا روانی نداشته باشد، انجام گیرد، از نظر شرعی و قانونی جایز نمی باشد. در مورد «خنثای روانی» (کسی که هیچگونه نقصی در دستگاه تناسلی خود ندارد اما به دلایل روانی خواستار تغییر جنسیت است) سه نظریه بیان گردیده است: ۱- مشروعیت مطلق ۲- ممنوعیت مطلق ۳- مشروعیت مشروط؛ که نظریه اخیر طرفداران بیشتری دارد.

بر طبق نظرات فقهای عظام، فرد پس از تغییر جنسیت در اموری چون ارث، قصاص، حدود، دیات، شهادت و مهریه تابع جنسیت واقعی خود خواهد بود ولی از حیث احکام و تکالیف شرعی جنسیت ظاهری او معیار تلقی می گردد. در حقوق موضوعه ایران کسی که مطابق استانداردهای پزشکی تغییر جنسیت داده است می تواند از دادگاه های ذیصلاح تقاضای اصلاح شناسنامه خود را نماید.

واژگان کلیدی: تغییر، جنسیت، مشروعیت، جواز، غیر قانونی بودن.

## مقدمه

## ۱- ضرورت و اهمیت تحقیق

امروزه بررسی مسأله «تغییر جنسیت» نه تنها از دید پزشکی، بلکه به لحاظ مباحث حقوقی نیز حائز اهمیت است. اگرچه در گذشته این مباحث کم و بیش وجود داشته است، اکنون با پیشرفت فناوری و علم پزشکی، ابعاد جدیدتری، فراروی ما گشوده شده است و در نتیجه آن، ده‌ها موضوع جدید ایجاد شده که نیاز است در فقه و حقوق به آنها پاسخ داده شود. بنابراین بر آن شدیم که جنبه‌های فقهی و حقوقی تغییر جنسیت را بررسی کنیم.

## ۲- هدف و انگیزه پژوهش

هدف اصلی از تحریر این پژوهش بررسی جواز و عدم جواز عمل «تغییر جنسیت» و مطالعه آثار فقهی و حقوقی مترتب بر آن می‌باشد.

## ۳- سوالات پژوهش

آیا «تغییر جنسیت» در مورد افراد سالم امکان دارد؟ تغییر جنسیت چه ارتباطی با افراد خنثی دارد؟ پس از ایجاد تغییر جنسیت روابط زوجین نسبت به یکدیگر چگونه خواهد بود؟ آیا ازدواج همچنان به حال خود باقی است یا خود، به خود زن و شوهر از یکدیگر جدا می‌شوند؟ وضعیت زوجین که یکی از آنها یا هر دو تغییر جنسیت داده‌اند، نسبت به فرزندان چگونه خواهد بود؟ موضوع مهریه، ارث، ولایت و سرپرستی کودکان و غیره نیز مطرح می‌شوند.

## ۴- محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

مهمترین مشکل در انجام این تحقیق، فقر منابع به ویژه منابع فارسی می‌باشد. در کشورهای غربی، تحقیقات فراوانی در خصوص پدیده تغییر جنسیت صورت گرفته، ولی متأسفانه در کشور ما به دلیل مسائل فرهنگی خیلی کم به موضوعات مربوط به مسائل جنسی پرداخته شده است.

استفتائات مراجع عظام از بعد فقهی قضیه در خور تأمل بوده و توانسته خلاء ناشی از سکوت قانون را در این زمینه پر کند. این مسأله نشان‌دهنده پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسائل نوپیدا است که به دنبال پیشرفت علوم و فنون بر پیکره جوامع بشری پدیدار می‌گردد. نظیر مبحث تلقیح به روش مصنوعی، پیوند اعضا، مرگ مغزی و... البته چند رساله نیز افراد متقاضی تغییر جنسیت را از ابعاد روانی، شخصیتی و پزشکی مورد مطالعه قرار داده‌اند که از دید محقق دور نمانده است.

## ۵- روش تحقیق

روش تحقیق به طریقه کتابخانه‌ای بوده است.

## ۶- نتیجه کلی

عمل «تغییر جنسیت» یا بر روی فردی انجام می‌شود که تنها یک آلت تناسلی داشته لیکن پوست آنرا پوشانیده و یا در مورد فردی انجام می‌شود که دو آلت تناسلی داشته (خنثای فیزیکی یا بدنی) و با انجام عمل جراحی، یکی از آنها قطع شده تا دیگری تقویت شود. این گونه اعمال جراحی تا زمانی که دلیلی بر حرمت یا وجوب این اعمال نیافته‌ایم، همچنان جایز هستند مگر اینکه ترک عمل

جراحی سبب شود شخص در حرام افتد و یا واجبی را ترک کند که در این موارد از باب مقدمه واجب، عمل جراحی نیز واجب می‌شود.

و اما در مورد تغییر جنسیت کسی که تنها یک آلت تناسلی دارد، لیکن تمایلات او با آلت تناسلی او یکسان نیست (خنثای روانی) سه نظر وجود دارد: نظریه مشروعیت مطلق، نظریه ممنوعیت مطلق و نظریه مشروط که نظریه مشروعیت مشروط بیشتر مورد قبول است. با این توضیح که عمل جراحی فردی که تنها دارای یک آلت تناسلی بوده، لیکن از نظر روانی اعتقاد به جنس مخالف دارد، تنها در موردی جایز است که پزشک قابل اعتماد (از باب رجوع به اهل خبره) تشخیص دهد که این فرد تابع یکی از دو جنسیت می‌باشد. زیرا اولاً سیره عقلاء مبنی بر لزوم درمان درد تا حد امکان است و که احادیثی نیز در مورد تشویق مریض برای مراجعه به پزشک موجود می‌باشد. ثانیاً عدم جایز دانستن اعمال جراحی تغییر جنسیت این افراد موجب فساد و مفسده در اجتماع می‌شود و دارای آثار سوء فردی، خانوادگی و اجتماعی است.

بر طبق مطالعات انجام شده، مرد بعد از انجام عمل جراحی حق حضانت خود را نسبت به فرزندان خود از دست نمی‌دهد ولی حق ولایت خود را از دست می‌دهد. همچنین فرد پس از تغییر جنسیت در اموری چون ارث، قصاص، حدود، دیات، شهادت و مهریه تابع جنسیت واقعی خود خواهد بود ولی از حیث احکام و تکالیف شرعی، جنسیت ظاهری او معیار تلقی می‌گردد.

مؤلف، مباحث این مقاله را در سه بند ارائه می‌دهد. در بند اول پس از بیان پیشینه تاریخی بحث (تغییر جنسیت) به مفاهیم روانشناختی مرتبط با آن خواهیم پرداخت و در بند دوم به بررسی نظریه‌های موجود پیرامون تغییر جنسیت

می‌پردازیم و در بند سوم آثار فقهی - حقوقی مرتبط با این پدیده مورد مطالعه واقع شده و سرانجام نتیجه‌گیری خواهیم نمود.

### بخش اول: مفهوم تغییر جنسیت و بررسی علل و عوامل آن

#### ۱- پیشینه تاریخی تغییر جنسیت

##### الف- سابقه موضوع در حقوق غرب

سابقه موضوع در حقوق غرب به سال ۱۹۲۵م. برمی‌گردد.<sup>۱</sup> تجویز تغییر جنسیت در رویه قضائی اکثر کشورهای اروپائی وارد شده است، البته با اختلافات کم و بیش در نحوه پذیرش و یا آثار ناشی از آن. ولی تقریباً همه متفق‌القولند که باید حداقل در موردی که عمل تغییر یا اصلاح جنبه درمانی داشته باشد مورد پذیرش واقع شود. کشورهای لیبرال پذیرش این مسأله را به چنین شرطی نیز مقید ننموده‌اند.<sup>۲</sup>

فرانسه تا قبل از انقلاب ۱۹۹۳م، قائل به تحریم تغییر جنسیت بود با این استدلال که فرد نمی‌تواند حالت و وضعیت خود را بنا به اختیار خود تغییر دهد. اراده الهی و میراث بشری را که بر تعداد معینی از افراد مرد و زن در جنس بشر داده شده است نمی‌توان تغییر داد. به عبارت دیگر تغییر حالت و وضعیت فرد به دست خود فرد سپرده نشده است.

در تجویز این مسأله که عمدتاً لیبرال‌ها طرفدار آن هستند، جنس روانی به جنس ظاهری برتری داده شده است. این دسته می‌گویند که عدم تغییر در وضعیت افراد، مستلزم تغییرناپذیر بودن جنس آنها نیست، بلکه احترام به زندگی خصوصی افراد اقتضا می‌کند که این میل روانی‌شان محترم شناخته شده و جنس ظاهری به جنس روانی منطبق گردد.

در این مورد، دادگاه اروپایی حقوق بشر اصولاً با تجویز این پدیده، کشورهای عضو را محکوم به پذیرش و ترتیب‌اثر دادن به آثاری مثل انتخاب اسم منطبق بر جنس نموده است.

### ب- سابقه موضوع در حقوق اسلام

این موضوع در لسان فقهای متقدم امامیه دیده نمی‌شود. البته ممکن است با استناد به روایت عاصم بن حمید از محمد بن قیس، از ابوجعفر (ع) گفته شود که این مساله در صدر اسلام وجود داشته است. خلاصه روایت بدین صورت است که زنی به مجلس قضاوت، شریح قاضی وارد شده و بیان می‌دارد که او هم آلت مردانه دارد و هم آلت زنانه و شوهر او با او نزدیکی کرده و صاحب فرزندی است و زن نیز با کنیز خود نزدیکی کرده و دارای فرزندی است، آنگاه امیرمومنان (ع) آمد و دستور به شمردن مهره‌های زن نمود و معلوم شد دنده‌های زن در سمت راست هفده و در سمت چپ هجده تا است، از این رو، امیر (ع) زن را جزء مردان به حساب آورد و فرمود: «من درباره او حکم خدا را صادر کردم زیرا خدای تعالی حوا را از پهلوی چپ آدم آفرید و از این روی شمار دنده‌های مردان ناقص و دنده‌های زن کامل است»<sup>۳</sup>.

علامه مجلسی در ذیل این حدیث نوشته است: «این خبر در بین عامه (اهل تسنن) مشهور و در کتاب‌های ایشان ثبت است. از این رو، سید مفید و ابن‌ادریس علی‌رغم اینکه به خبر واحد عمل نمی‌کنند، به این روایت عمل کرده‌اند. علامه قدس سره سند روایت را صحیح دانسته و گفته است کسانی که این خبر را ضعیف دانسته‌اند به سند آن توجه نداشته‌اند.

درباره مضمون این روایت با چند تن از پزشکان گفتگو شد و آنان اذعان داشتند در تاریخ پزشکی چنین چیزی دیده نشده، لیکن روایت یادشده این معنی

را در بردارد که آن شخص هم نقش مرد و هم نقش زن را ایفا می‌کرده که حضرت طبق معاینه‌ای که بر روی وی انجام می‌دهند، آن شخص را به مردان ملحق می‌نمایند. اما این روایت ارتباط چندانی با عمل تغییر جنسیت ندارد. به هر حال می‌توان گفت در حقوق اسلامی اولین فقیهی که به مسأله عمل جراحی تغییر جنسیت پرداخته حضرت امام خمینی (ره) بوده‌اند که حدود سال ۱۳۴۲ شمسی احکام تغییر جنسیت را در جلد دوم تحریر الوسیله بیان داشتند.

## ۲- مفاهیم روانشناسی و پزشکی مرتبط با «تغییر جنسیت»

- ۱- هویت: هویت یک سازه و ساختار اجتماعی- روانی است که باعث جدایی و افتراق فرد از سایرین می‌شود.
- ۲- هویت جنسی: احساس فردی مرد یا زن بودن که از سن ۳ یا ۴ سالگی نمایان می‌شود و حالتی روان‌شناختی است.
- ۳- گرایش جنسی: به کشش جنسی فرد اطلاق می‌شود.
- ۴- سوگیری جنسی: منظور آن است که فرد موضوع رابطه جنسی خود را از کدام جنس انتخاب می‌کند. بر این اساس تمایل شهوانی فرد ممکن است به همجنس خود (هموسکسوال)، غیرهمجنس (هنروسکسوال) هر دو جنس (بایسکسوال) یا هیچکدام (آنسکسوال) باشد.
- ۵- اختلالات جنسی: اختلالات جنسی افراد از نظر پزشکی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود.

• اختلالات جنسی ظاهری (آناتومیکی): مانند خنثی

• اختلالات جنسی روانشناسانه<sup>۴</sup>: به کسی که دارای اختلالات جنسی روانشناسانه باشد «ترانس سکسوال»<sup>۵</sup> گویند. اینان افرادی هستند که به علل مختلف از جنس فیزیولوژی و رفتارهای جنسی خود راضی نبوده و بر اثر تنفر از خود، دست به دامن روانپزشکان یا پزشکان قانونی شده و اقدام به تغییرجنسیت می‌کنند.

اینان سعی دارند با استفاده از هورمون‌ها و اعمال جراحی، وضعیت خود را به وضعیت جنسی مقابل نزدیک کنند. در مورد شیوع این اختلال در ایران گزارش دقیقی وجود ندارد اما پژوهشی که دکتر مهرابی به سال ۱۳۷۴ در تهران انجام داده است نشان می‌دهد که تفاوت اندکی نسبت به برآوردهای انجام شده در کشورهای غربی با نمونه‌های ایران وجود دارد.

مترادف کلمه ترانس سکسوال در زبان فارسی، دگر جنسیت‌خواه یا تبدیل‌خواه جنسی است. این افراد با اندام ظاهری خود احساس بیگانگی کرده و میل شدیدی برای زیستن به عنوان فردی از جنس مقابل دارند.

#### الف - علائم دگر جنسیت‌خواهی یا ترانس سکسوال

عبارت است از افسردگی، اسکیزوئید (آشفستگی)، خودبیمارانگاری، هیستری (اختلال کنش در فعالیت دستگاه عصبی ارادی و یا شعور آگاه)، اضطراب و ضعف روانی و به طور کلی اختلاف محسوس در بعضی سطوح سازگاری روانی که این موارد در متقاضیان مرد بیشتر از متقاضیان زن می‌باشد.



**ب- علت بروز ترانس سکسوالیسم**

از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، رضایت از وضعیت زندگی، در کاهش و افزایش تعداد تقاضای تغییرجنسیت موثر بوده و این موضوع در همه کشورها شدت و ضعف داشته و ایران هم تافته جدابافته‌ای نیست، علاوه بر این نارضایتی والدین از جنس فرزند خود و پرخاشگری آنها، اختلالات ژنتیکی و هورمونی، بیماریهای روانی، اثرات دارویی، شیمی درمانی و ضربات مغزی در دوران کودکی از دیگر دلایل بیولوژیکی بروز اختلالات جنسی است.

باید گفته شود از نظر روان‌پزشکی فرد ترانس سکسوال، بیمار است. هرچند بعضی از پزشکان و به صورت نادر آن را جزء انحرافات جنسی قرار می‌دهند. بنابراین اگر فرد ترانس سکسوال را بیمار تلقی کنیم عدم صدور مجوز تغییر جنسیت آثاری را در پی خواهد داشت که می‌توان آنها را در موارد زیر خلاصه نمود:

**ج- آثار خانوادگی عدم صدور مجوز تغییر جنسیت**

نگرش منفی نسبت به دگرجنسیت‌باورها (ترانس سکسوال‌ها) از طرف خانواده و اجتماع که آنها را به عنوان افرادی منحرف به حساب می‌آورند نه بیمار، سبب عدم برقراری روابط گرم و قوی با اعضای خانواده و بروز مشکلات روابط بین فردی می‌شود.

**د- آثار فردی عدم صدور مجوز تغییر جنسیت**

به نظر می‌آید هویت جنسی و نگرش فرد در مورد موقعیتش به عنوان یک مرد یا زن در شکل‌گیری اعتماد به نفس او نقش مهمی را ایفاء می‌کند. مثلاً در

صورت وجود تفاوت قابل ملاحظه در زمان بندی و سرعت تغییرات بلوغ، تصویر ذهنی فرد از بدن خود نامشخص است و او را دچار اضطراب خواهد کرد.

#### ۵- آثار اجتماعی عدم صدور مجوز تغییر جنسیت

فرد مبتلا به اختلالات هویت جنسیتی دارای احساسات و واکنش های مشخص جنس مقابل بوده که در عملکرد اجتماعی، روابط بین فردی و محدوده جسمانی اش تاثیر گذاشته، هرچند که این علائم از موردی به مورد دیگر متفاوت است. مشکلات در محیط مدرسه با همتاها، فقدان تحصیلات و مهارت های شغلی که سبب بیکاری مزمن و قرار گرفتن در حاشیه اجتماع می شود و همچنین طرد اجتماع و عوارض آن را که سبب پرخاشگری یا سوء مصرف مواد و الکل می شود را می توان از پیامدهای بیماری مزبور و عدم مداوای آن دانست.

#### ۳- انواع افراد خواهان تغییر جنسیت «از منظر حقوقی»

افرادی که خواستار تغییر جنسیت خود هستند، به سه دسته تقسیم می شوند.

#### الف- خنثای بدنی یا فیزیکی

خنثای فیزیکی به کسی اطلاق می شود که در بدن وی علائم جنسیتی هر دو جنس مذکر و مونث وجود دارد. ممکن است این علائم یکی بر دیگری غالب باشد یا نباشد، که در مورد اخیر، به آن خنثای مشکل اطلاق می شود. و یا اینکه در بدن فرد تنها یک آلت وجود دارد، لکن پوست و یا چیزی دیگر آن را پوشانیده است و با عمل جراحی این پوست برداشته می شود تا صورت واقعی آن آشکار گردد.

و در مورد خنثی که هم آلت تناسلی مرد را دارد و هم آلت تناسلی زن را، یکی از دو آلت را از ریشه برمی‌کنند تا آلت دیگر تقویت شود و رشد کند و صاحب آن به وظیفه خود عمل کند.

عمل جراحی کسی که یک آلت دارد ولی پوست آنرا پوشانیده اصلاً تغییر جنسیت به حساب نمی‌آید بلکه از باب کشف واقعیتی است که پرده یا پوشش آنرا پوشانده باشد و به عبارت دیگر این گونه عمل‌ها عمل «اصلاح جنسیت» هستند نه عمل «تغییر جنسیت».

عمل بر روی خنثی که مرد بودن یا زن بودن وی از راه نشانه‌های شرعی آشکار شده باشد (نه اینکه خنثای مشکل باشد) مجاز بوده و شخص می‌تواند به تشخیص پزشک متخصص با رعایت تمام استانداردهای پزشکی خود را از این حالت نجات داده و به یکی از دو جنسی که خلقت او مناسب و مشابهت بیشتری به آن دارد ملحق سازد. زیرا صاحب‌نظران معتقدند اگر در خنثی علائم جنسیتی یک جنس به دیگری غالب و ظاهر باشد بر شخص لازم است که از احکام جنسیت غالب پیروی نماید.

حال آیا واجب است که این گونه افراد هورمون‌درمانی یا عمل جراحی تغییر جنسیت انجام دهند یا نه؟

خیر واجب نیست چرا که ممکن است افرادی باشند که از انجام عمل جراحی بیمناک باشند یا به علت کهولت سن و پیری، توان یا حوصله درمان نداشته یا هزینه عمل و عواقب بعد از آن را نداشته باشند و در نتیجه نمی‌توان اینگونه افراد را الزام به عمل جراحی یا هورمون‌درمانی نمود.

پس در مشروعیت تغییر جنسیت این گروه مخالفت خاصی وجود ندارد زیرا اگر بنابر ظاهر علامت جنسی بتوان حکم به تبعیت شخص از آن جنس نمود، به

طریق اولی بر مبنای نظریه متخصص و با استناد به ادله اعتبار حجیت شهادت می‌توان حکم به ملحق شدن او به جنسی نمود که متخصص، آنرا مناسب تشخیص داده است.

ممکن است مشروعیت این گونه‌عمل‌ها به طریقه دیگری نیز توجیه شود. مثلاً استاد مومن قمی معتقدند: «دلیلی بر حرام بودن این گونه اعمال جراحی وجود ندارد؛ زیرا فردی که به این عمل می‌پردازد، پیش از عمل جزء یکی از دو صنف (مرد یا زن) بوده و حکم یکی از این دو را داشته است، اما پس از انجام عمل جراحی، عنوان پیش بر او صدق نمی‌کند و در نتیجه، دلیل‌های احکام این عنوان هم او را دربر نمی‌گیرد، بلکه عنوان جدید بر او صدق می‌کند و ناگزیر، دلیل احکام این عنوان هم او را دربر می‌گیرد و هیچ مشکلی درباره وی متصور نمی‌شود. . .<sup>۷</sup>»

### ب- خنثای روانی

این گروه شامل افرادی می‌شود که از لحاظ جسمی و بدنی دارای علائم یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث می‌باشند ولی از لحاظ روانی تمایلات جنسی مزبور را ندارند یا ممکن است علائم یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث می‌باشند ولی از لحاظ روانی تمایلات جنسی مزبور را ندارند یا ممکن است علائم بدنی جنسیتی را به طور ناقص داشته باشند مانند موردی که شخص دارای علائم جنسیتی زنانه بوده ولی در سن بلوغ، عادت ماهانه نمی‌شود و با مراجعه به پزشک ثابت می‌شود که وی رَجِم ندارد.

شاید استفاد شود که با توجه به قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و علی انفسهم» تغییر جنسیت این گونه افراد نیز جایز است<sup>۸</sup> اما این استناد قابل مناقشه

است زیرا با استناد به این قاعده نمی‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق مشروع دانست زیرا همانگونه که بعضی معتقدند، قاعده سلطه در صورتی مشروع است که مالک تصرفی عقلانی و متعارف انجام دهد. بنابراین قاعده سلطه فقط اشخاصی را دربرمی‌گیرد که تضادی در خلقت آنها وجود داشته باشد.

### ج- افراد عادی

کسانی هستند که علائم جنسیتی بدن آنان با تمایلات جنسی روانی‌شان همخوانی و هماهنگی دارد، حال آیا این اشخاص نیز می‌توانند «تغییر جنسیت» دهند و «تغییر جنسیت» آنها مشروع است؟ در جواب گفته می‌شود عمل اینگونه اشخاص از سه جهت با مانع روبروست، جهت نخست عبارتست از اینکه حفظ سلامتی شخص بر او واجب است و هیچ کس نمی‌تواند بدون عامل موجه و عقلایی، سلامتی خود را در معرض خطر قرار دهد. جهت دوم: عدم مشروعیت آن از لحاظ علم پزشکی است زیرا موضوع عملیات پزشکی درمان مرض و معالجه می‌باشد، و پزشک در صورتی می‌تواند اقدام به جراحی یا درمان نماید که بیماری برایش ثابت شود و مجاز نیست که افراد سالم را نیز تحت درمان قرار دهد. بنابراین اگر پزشکی بدون احراز مرض یا تشخیص نادرست آن کسی را درمان نماید مرتکب خطای فاحش پزشکی شده و چنین خطایی موجب مسئولیت پزشکی می‌شود. در نتیجه تغییر جنسیت این گونه افراد از نظر پزشکی نیز ممنوع است.

جهت سوم عدم مشروعیت «تغییر جنسیت» این افراد، موضوع آن است زیرا اگر کسی قصد تغییر جنسیت خود را داشته باشد. باید با پزشک متخصص قرارداد، درمان منعقد کند که موضوع قرارداد، انجام یک عمل است و طبق اصول مسلم حقوقی و نظریات صاحب نظران، قرارداد انجام عمل در صورتی نافذ می‌باشد که

عمل مزبور دارای منفعت عقلانی مشروع باشد، در حالیکه تغییر جنسیت این افراد فاقد شرایط مذکور بوده علاوه بر این از لحاظ اجتماعی نیز چنین عملی خلاف مصالح اجتماعی است.<sup>۱</sup>

### بخش دوم: دیدگاه‌های حقوقدانان و فقها درباره تغییر جنسیت

درباره مشروعیت و عدم مشروعیت تغییر جنسیت سه نظریه مفروض است:

#### ۱- نظریه ممنوعیت «تغییر جنسیت»

یکی از دلایل این نظریه عبارت است از اینکه: مجاز بودن «تغییر جنسیت» مستلزم مجاز بودن برداشت و از بین بردن اعضای بوده که از بدن شخص موضوع تغییر جنسیت برداشته می‌شود تا اعضای مصنوعی جنسیت مخالف در جای آن گذاشته شود، در حالیکه از بین بردن عضوی از بدن خود یا دیگری ممنوع و حرام است و در نتیجه «تغییر جنسیت» عملی نامشروع است.<sup>۱</sup>

در این دلیل می‌توان مناقشه نمود، زیرا با استناد به این دلیل در صورتی می‌توان تغییر جنسیت را به طور مطلق ممنوع دانست که ضرورت ایجاد نکند، در نتیجه برداشت یا از بین بردن عضوی از بدن در موارد اضطراری و ناچاری امری مشروع است.

دلیل دیگر این نظریه غیرمقدور بودن آن است. زیرا خداوند انسان را مذکر و مؤنث آفریده و هیچ قدرتی نمی‌تواند مذکری را به مؤنث یا بالعکس تغییر دهد. این دلیل نیز درست نیست، زیرا غیرمقدور بودن تغییر جنسیت شامل تمام افراد نمی‌شود بلکه فقط شامل افرادی می‌شود که گرایش جنسی - روانی آنها با علائم جنسی بدنشان هماهنگ باشد، چنانچه بعضی از فقها از ظهور آیات استفاده نموده‌اند خداوند انسان را مذکر و یا مؤنث آفریده، در نتیجه کسی که دارای علائم

جنسی هر دو جنس مذکر یا مؤنث باشد یکی از این علائم اصلی و دیگری زائد است.<sup>۱۱</sup>

بنابراین مراجعه به متخصص جهت تشخیص جنسیت اصلی و از بین بردن علائم جنسیت غیراصلی در خنثای بدنی و خنثای روانی نه تنها امری ممنوع نمی‌باشد بلکه شایسته و پسندیده نیز است.

دلیل دیگر عدم مشروعیت تغییر جنسیت، مخالفت آن با مصالح عمومی می‌باشد، زیرا قواعدی که وضع مدنی شخص را در جامعه تعیین می‌کند، تنها به خاطر حفظ منافع او وضع نشده است، بلکه هدف مهم این گونه قواعد تامین مصالح عمومی می‌باشد. به همین جهت اشخاص نمی‌توانند برخلاف آنها با یکدیگر توافق کنند، چنانکه به وسیله قرارداد نمی‌توان تابعیت یا جنسیت کسی را تغییر داد.<sup>۱۲</sup> این دلیل نیز در صورتی دلالت بر عدم مشروعیت تغییر جنسیت می‌کند که در علم پزشکی تغییر جنسیت مشروط به شرایطی نباشد و هر کسی که اراده تغییر جنسیت خود را کند، درخواست او پذیرفته شود، ولی اگر تغییر جنسیت، مشروط به شرایط شود مغایرتی با مصالح جامعه نخواهد داشت.

## ۲- نظریه مشروعیت مطلق تغییر جنسیت

در مقابل نظریه پیشین، نظریه دیگری ابراز شده که بر مبنای آن «تغییر جنسیت» را به طور مطلق مجاز و مشروع دانسته که عمده دلایل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد: یکی از دلایل این نظریه اصل اباحه و عدم دلیل بر حرمت آن از طرف شارع است.<sup>۱۳</sup> زیرا اصل، جواز تصرفات می‌باشد، مگر اینکه دلیلی بر ممنوعیت وجود داشته باشد و دلیلی نیز بر حرمت آن در شریعت وجود ندارد، پس چنین عملی ظاهراً مشروع است.<sup>۱۴</sup>

در این دلیل می‌توان مناقشه نمود زیرا درست است که از طرف شارع و قانونگذار دلیل خاصی بر عدم جواز وارد نشده، ولی اگر شخص بدون مشکل بدنی یا روانی قابل توجه اقدام به «تغییرجنسیت» خود نماید، چون این عمل نه تنها دارای منفعت مشروع نیست بلکه شخص را گرفتار بحران روحی و روانی می‌نماید. دلیل دیگری که می‌توان در مشروعیت مطلق «تغییرجنسیت» به آن استناد نمود قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم و علی انفسهم» می‌باشد.<sup>۱۵</sup>

در این دلیل می‌توان مناقشه نمود زیرا با فرض قبول این قاعده باز نمی‌توان، تغییر جنسیت را به طور مطلق مشروع دانست زیرا در قاعده سلطه مالک حق هر تصرفی ندارد بلکه تنها مجاز به انجام تصرفات متعارف است، در نتیجه قاعده سلطه بر نفس در این سیاق و حدود قرار می‌گیرد که اشخاص فقط می‌توانند تصرفی که عقلایی است انجام دهند.

بنابراین تغییرجنسیت شخصی که تمایلات جنسی او مطابق علائم جنسیتی بدن اوست از دیدگاه عقلاء، تصرفی نامعقول و نامتعارف است<sup>۱۶</sup> و در نتیجه با استناد به این دلایل نمی‌توان تغییرجنسیت را به طور مطلق مشروع محسوب نمود.

### ۳- نظریه مشروعیت مشروط

مشروعیت هر عملی، همانگونه که در ماده ۲۱۵ ق.م.ب به آن تصریح شده است، منوط به وجود منفعت مشروع عقلایی می‌باشد، در نتیجه «تغییرجنسیت» در صورتی مشروع است که خواهان دارای مشکل جنسی باشد و پزشک متخصص تغییرجنسیت را برای رفع مشکل او مفید تشخیص دهد.

شاید ادعا شود که اگر مشروعیت «تغییرجنسیت» مشروط به شرایطی شود، مشروعیت آن از واضحات و مسلمات است، زیرا با استناد به قاعده «الضرورات



تبییه المحضورات» و حدیث رفع هر عمل ممنوع و غیرقانونی در شرایط، اضطرار، مباح و قانونی می‌شود. ولی این ادعا ناشی از عدم درک درست و صحیح موضوع و شرایط تغییرجنسیت است. زیرا اولاً قاعده مزبور در مواردی جاری می‌شود که اول منع قانونی وجود داشته باشد و شخص در شرایط اضطرار قرار گیرد، بعد این قاعده از او رفع حرمت یا ممنوعیت می‌نماید. ولی بعد از خروج از شرایط اضطرار ادله حرمت دوباره حاکم می‌شود، در حالیکه نسبت به افراد واجد شرایط تغییر جنسیت بر مبنای نظریه مشروعیت مشروط به وجود شرایط خاص، اصلاً ممنوعیت و حرمتی وجود ندارد که قاعده مزبور آنرا رفع نماید. ثانیاً موضوع مورد بحث فراتر از شرایط اضطراری است، زیرا ممکن است شخص با وجود داشتن شرایط تغییرجنسیت در حالت اضطرار قرار نگیرد. به همین جهت در توصیه‌ها و مقررات مربوط به تغییرجنسیت آن نه به عنوان یک راه درمان بلکه به عنوان یک حق توصیه شده است.

### بخش سوم: بررسی آثار فقهی و حقوقی تغییرجنسیت

در بررسی آثار تغییرجنسیت از دیدگاه قوانین حقوقی می‌توان به زوجیت، نفقه، عده، ولایت و سرپرستی کودکان، مهریه، ارث، عناوین خانوادگی، شناسایی جنسیت، قضاوت، حضانت و لزوم اذن شوهر اشاره کرد.

#### ۱- زوجیت

اگر تغییرجنسیت صورت گیرد، به ناچار فرعهای زیادی پدید می‌آید که یکی از آنها مسأله زوجیت است، در این باره سه صورت متصور است:  
صورت اول: اینکه فقط یکی از زوجین تغییرجنسیت دهد.

در این حالت ازدواج باطل است. چون امکان بقای ازدواج وجود ندارد و ازدواج مرد با مرد یا زن با زن از نظر فقهی و قانونی مشروع نیست. می‌توان برای بطلان ازدواج زوجینی که یکی از آنها تغییرجنسیت داده از نظر قانونی به مواد ۱۰۳۵، ۱۰۵۹، ۱۰۶۷، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۴ استناد نمود. برای نمونه در ماده ۱۰۶۹ ق.م.آ آمده است: «تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد، شرط صحت نکاح است» در عمل هنگامی که سردفتر بخواهد نکاحی را واقع و ثبت کند، برای احراز اختلاف جنس به شناسنامه طرفین رجوع می‌کند. البته ممکن است شناسنامه گویای حقیقت نبوده و در واقع، عقد نکاح بین دو هم‌جنس بسته شده باشد. این نکاح بی‌شک باطل است. ولی برای ابطال سند نکاح و شناسنامه باید به دادگاه رجوع کرد.

می‌توان فرض کرد که یک نفر خنثی که جنبه مردی یا زنی او غالب است با شخص دیگری از جنس مخالف ازدواج کند ولی به مرور زمان، در اثر تحولاتی که در وضع جسمی او روی داده آثار تغییرجنسیت (برفرض که امکان داشته باشد) در او آشکار شود و بالاخره با یک عمل جراحی، تغییرجنسیت تحقق یابد و بدین‌سان اختلاف جنس که هنگام عقد نکاح وجود داشته از میان برود. در این صورت آیا ازدواجی که صحیحاً بسته شده باطل می‌شود یا نه؟ چون اختلاف جنس را هم هنگام عقد و هم در دوران زناشویی باید شرط نکاح دانست و به عبارت دیگر، اختلاف جنس هم ابتدائاً و هم در ادامه مشروط است از این رو نکاح با تغییرجنسیت یکی از طرفین باطل می‌شود.<sup>۱۷</sup>

نظریات موجود در باب بطلان زوجیت، زوجینی که یکی از آنها تغییرجنسیت داده به قرار زیر است:

- امام خمینی می‌فرماید:

«اگر تزویج کند زنی را سپس جنس زن تغییر پیدا کند و مرد شود از وقت تغییر تزویج باطل است. و همچنین اگر زن با مردی ازدواج کند سپس مرد جنس خود را تغییر دهد ازدواج از وقت تغییر باطل می‌شود.»

- حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این سوال که اگر زن یا مرد پس از ازدواج تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبل چگونه خواهد بود فرموده‌اند:  
«ازدواج از زمان تغییر باطل می‌شود»

صورت دوم: زوجین هر دو غیرهمزمان تغییر جنسیت دهند (غیرمقارنین):  
در این حالت همانند حالت سابق ازدواج باطل است. چون مجوز شرعی برای ابقای ازدواج سابق وجود ندارد. به محض اینکه یکی از زوجین جنس خود را تغییر دهد، مثلاً جنس مرد به زن تبدیل گردد، در حالت جدید، هر دو هم جنس خواهند شد و ازدواج سابق از بین خواهد رفت. حال اگر زن نیز بعد از مدتی تغییر جنسیت دهد علقه زوجیت حاصل نمی‌شود بلکه نیاز به اجرای خطبه عقد است.

صورت سوم: زوجین هر دو همزمان تغییر جنسیت می‌دهند (مقارنین)  
در اینجا دو احتمال بلکه دو نظریه توسط علماء مطرح شده است.  
نظریه اول: ازدواج باطل است، استاد مومن قمی در این باره می‌گویند: «...  
در باقی ماندن نکاح زن و شوهری که همزمان تغییر جنسیت داده باشند اشکال است بر فرض اینکه بر بقای عقد نکاح این دو قائل شویم، میتوان آنرا بدین ترتیب بیان کرد: حقیقت اعتبار نکاح، صرفاً عبارتست از این که هر کدام از آن دو همسر دیگری است. پس این دو، زن و شوهرند و نکاح به معنای همسری هر یک از این دو برای دیگری است. وانگهی هر کدام از زن و شوهر خصوصیت تکوینی خود را دارد که احکام خاصی بر آن مترتب است، همانگونه که هر کدام از آنان آثار طبیعی خود را نیز دارد و این امر هیچ ناسازگاری با این موضوع ندارد که حقیقت

نکاح اعتباری، صرفاً عبادت باشد از زوجیت و همسری. بنابراین اگر جنسیت زن و شوهر، در یک زمان تغییر کند، باقی ماندن زوجیت این دو امکان‌پذیر خواهد بود و اگر دلیل به رفع این زوجیت وجود نداشته باشیم، استصحاب جاری می‌شود و اقتضای استصحاب، باقی ماندن زوجیت است. لکن می‌توان چنین ادعا کرد: حقیقت نکاح، عبارت از این است که یکی شوهر و یکی زن دیگری باشد، یعنی مرد، مرد زنی باشد که آن زن هم زن او باشد، در این صورت نکاح به منزله اضافه‌ای است که دو طرف آن با یکدیگر همانند ندارند نظیر پدر بودن و پسر بودن و نه بسان اضافه‌ای که دو طرف آن با یکدیگر همانندی دارد از قبیل برادری از سوی دیگر زوجیت بدین معنی که کدام یک از آنان همسر دیگری باشد، یک مفهوم کلی اضافی دارد که از دو طرف انتزاع می‌شود. بنابراین باقی ماندن آن حقیقت اعتباری امکان‌پذیر نخواهد بود. بلکه قطعاً از میان رفته و جایی برای استصحاب وجود ندارد. نزدیک به صواب این نظریه است که در صورت تغییر جنسیت زن و شوهر به طور همزمان نکاح باطل می‌شود...<sup>۱۸</sup>»

نظریه دوم: اینکه ازدواج سابق همچنان دارای دوام و بقا می‌باشد. بدین توضیح که حقیقت ازدواج، زوجیت هر یک نسبت به دیگری است و نه بیشتر. در این صورت تنها حالت و چگونگی آن در قبل و بعد از عمل جراحی تغییر کرده است. بنابراین زوج فعلی که قبلاً زوجه بوده و زوجه فعلی که قبلاً زوج بوده که در این وضعیت جدید، حقیقت ازدواج یعنی زوجیت هر یک نسبت به دیگری همچنان به حال خودش باقی است. نهایت آنکه وظیفه هر یک متفاوت با سابق است. مرد فعلی قبلاً وظایف یک زن (زوجه) را به عهده داشته و زن فعلی قبلاً وظایف یک مرد (زوج) را عهده‌دار بود.

امام خمینی (ره) می‌گویند: احتیاط واجب آن است که عقد ازدواج تجدید گردد و زن فعلی (که قبلاً مرد بوده) با مرد دیگر ازدواج نکند مگر اینکه از همسر سابق خود با طلاق جدا گردد و اگرچه بعید نیست که ازدواج سابق همچنان پابرجا باشد.<sup>۱۹</sup>»

و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به این سوال که اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییرجنسیت دهند حکم ازدواج آنها چگونه خواهد بود فرموده‌اند: «بعید نیست بقاء زوجیت و احوط تجدید عقد است»<sup>۲۰</sup>»

## ۲- نفقه

اگر مردی بعد از انعقاد عقد نکاح مبادرت به تغییرجنسیت کند (به فرض تحقق واقعی تغییرجنسیت) اگرچه گفته شد طبق نظر علماء نکاح باطل می‌شود اما زوجه‌اش می‌تواند برای گرفتن نفقه خود تا زمان انجام عمل جراحی تغییرجنسیت اقدام کند. استدلال بر این مطلب این است که با انعقاد عقد نکاح علقه زوجیت به تمام معنا و با تمام لوازمش بین مرد و زن برقرار شده و حال با تغییر ظاهری جنسیت این شک پیش می‌آید که آیا علقه زوجیت از بین رفته یا هنوز به قوت خود باقی است؟ طبق نظر مراجع عظام: حضرات آیات الله خمینی، خامنه‌ای و نوری همدانی ازدواج از زمان تغییرجنسیت باطل می‌شود.

## ۳- عده

چنانچه زن تغییرجنسیت دهد ازدواج سابق باطل می‌گردد، حال آیا بلافاصله بعد از تغییرجنسیت می‌تواند ازدواج نماید یا باید عده نگه دارد؟ دو احتمال وجود دارد:

احتمال اول: تغییرجنسیت سبب سقوط عده می‌گردد.<sup>۲۱</sup> امام قدس سره می‌نویسد: «اگر جنس زن در زمان عده او تغییر کند» دلیل این سخن این است که چون حکم عده، از احکام مربوط به زنان است و توهم وجود آن برای مردان وجود ندارد. ق.م در م ۱۱۵۰ در تعریف عده می‌گوید: «عده عبارتست از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمی‌تواند شوهر دیگر اختیار کند» سپس به مجرد اینکه زنی با تغییرجنسیت به جنس مرد تبدیل گردد لازم نیست عده نگه دارد.

احتمال دوم: تغییرجنسیت سبب سقوط عده نمی‌گردد. گروهی گفته‌اند که هدف از واجب‌شدن عده نگهداری احترام شوهر است. با توجه به این مطلب احتمال می‌رود که پس از تغییرجنسیت نیز، نگهداشتن عده واجب باشد.<sup>۲۲</sup> در هر صورت دلیل بر ساقط شدن وجوب نگهداشتن عده، به طور مطلق (حتی عده وفات) آن است که حکم عده، بدون تردید از احکامی است که به زنان اختصاص دارد و احتمال ثبوت آن بر مردان وجود ندارد. بنابراین به صرف اینکه زن به مرد تغییرجنسیت پیدا کند از تحت موضوع حکم خارج می‌شود و وجوب نگهداشتن عده از عهده وی ساقط می‌گردد.

#### ۴- ولایت و سرپرستی کودکان

حالت اول- تغییرجنسیت مادر به مرد: اگر مادر جنس خود را به مذکر تغییر دهد بر اولاد صغار ولایت پیدا نمی‌کند زیرا عنوانی که برای ولایت ثابت می‌شود عبارت است از: عنوان پدری، و مادر به صرف اینکه به مرد تغییرجنسیت می‌دهد، پدر نمی‌شود. زیرا پدر کسی است که از نطفه او فرزند به وجود آمده باشد و این عنوان بر کسی که فرزند را در شکم خود حمل کرده و سپس او را زائیده صدق

نمی‌کند، بلکه حتی دور نیست که ادعا شود پس از تغییرجنسیتِ مادر، باز هم وی مادر فرزنداناش گفته می‌شود و دلیل بر این مدعی عرف است.

حالت دوم- تغییرجنسیت پدر به زن: در این حالت دو نظر وجود دارد.

نظراول: سقوط ولایت است یعنی اگر پدر به جنس مخالف تغییر یابد ظاهر آن است که ولایتش بر کودک ساقط می‌گردد<sup>۲۳</sup>. دو دلیل برای نظریه فوق بیان شده است. دلیل اول: ولایت بر عنوان «اب» مترتب است و به این مرد بعد از تغییرجنسیت، صدق «اب» یا پدر نمی‌شود. دلیل دوم: ولایت برای پدری ثابت است که باقی بر صفت رجولیت باشد و با تغییرجنسیت این صفت از بین رفته است و بنابراین ولایت او بر کودکانش ساقط است.

نظردوم: عدم سقوط ولایت. یعنی اگر جنسیت پدر به زن تغییر یابد باز هم بر اولاد صغیر خود ولایت دارد. زیرا اولاً به صرف تشکیل شدن نطفه از آب شخص، عنوان پدری بر او صدق می‌کند، زیرا وقتی مرد با زنش همبستر شود و آنگاه برای همیشه ناپدید شود و سپس این زن بچه‌ای بزاید، تردیدی نیست که آن مرد پدر این بچه است. با این که هیچ دخالتی در تربیت او نداشته است. بنابراین عنوان پدر به پدری که تغییرجنسیت داده باز هم صدق می‌کند از باب صدق مشتق بر کسی که به مصدر این مشتق پیش از این متصف بوده است. ثانیاً بعد از تغییرجنسیت، بقای ولایت به وسیله استصحاب قابل اثبات است و نمی‌توان گفت موضوع تغییر کرده است.

حال اگر بگوییم با تغییرجنسیت پدر به زن ولایت او ساقط می‌شود ولایت بر چه کسی ثابت می‌شود؟ در این صورت ولایت بر جد پدری است و با فقدانش برای حاکم می‌باشد و مادر دارای ولایت نمی‌گردد<sup>۲۴</sup>.

## ۵- مهریه

چنانچه زن تغییرجنسیت دهد، آیا مستحق مهریه می‌باشد یا این که با انحلال ازدواج سابق مهریه منتفی می‌شود. و مرد ملزم به پرداخت آن نخواهد بود؟ در جواب چهار احتمال یا نظریه را مطرح و آنها را به اختصار موردبررسی قرار می‌دهیم.

نظریه اول: پرداخت مهریه مطلقاً لازم نیست چه دخول صورت گرفته باشد یا نه. چون حقیقت ازدواج این است که «مهریه» به عنوان ثمن در مقابل «کابین زن» یا «بضع» است و تغییرجنسیت موجب انفساخ این معاوضه است. پس ثمن به جای اول خودش برمی‌گردد و در وضعیت جدید، زوج تعهدی در مقابل پرداخت مهریه نخواهد داشت. حضرت آیت الله صانعی می‌فرماید: «... با فرض تحقق تغییرجنسیت ازدواج آنها از زمان تغییر باطل است و زوج بدهکار مهریه، هرچند بعد از دخول نمی‌باشد و این خود زوجه است که سبب مهریه را از بین برده است.»<sup>۲۵</sup>

نظریه دوم: پرداخت مهریه لازم است، مطلقاً چه دخول باشد یا نه. دلیل این گروه می‌تواند این باشد که حقیقت مهریه، یک امر اعتباری و فرع بر اصل و ذات ازدواج است و زوجه مالک کل مهریه است و می‌تواند در آن هرگونه تصرفی انجام دهد و مقتضای اصل استصحاب این است که مهریه حتی بعد از بطلان عقد به خاطر تغییرجنسیت، به ملکیت زن باقی است. این نظر مختار امام خمینی (ره) است. وی می‌گوید: «اگر زنی با مردی ازدواج کند و بعد از ازدواج جنسیت زن تغییر کند ازدواج از زمان تغییر باطل و بر مرد در صورت دخول، پرداخت مهریه لازم است و همچنین بنابر قول اقوی در صورت عدم دخول پرداخت مهریه لازم است.»<sup>۲۶</sup>



نظریه سوم: در صورت دخول، پرداخت کل مهریه لازم است والا نصف مهریه لازم است. دلیل این گروه وجود اخبار معتبره، فتوای فقهای اسلام و نیز قانون مدنی ایران است که در تمام این موارد، وجوب کل مهریه را منوط به دخول می‌داند. عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که از حضرت سؤال شد در مورد مردی که با زنی ازدواج کرده و دخول نیز صورت گرفته است وضعیت او چگونه خواهد بود؟ حضرت فرمود: در صورتی که دخول صورت گرفته باشد «غسل» «مهریه» و «عده» واجب می‌گردد.<sup>۲۷</sup>

قانون مدنی می‌گوید: «هرگاه شوهر قبل از نزدیکی زن خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خود خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد، حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند».<sup>۲۸</sup>

حضرت آیت الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «چنانچه تغییرجنسیت بعد از دخول باشد تمام مهر ثابت می‌شود و اگر قبل از آن بوده حکم به تصنیف مهر معلوم است».<sup>۲۹</sup> با توجه به آنچه گذشت، چنانچه دخول صورت نگرفته باشد و به واسطه تغییرجنسیت بین زن و شوهر جدایی حاصل شده باشد پرداخت کل مهریه لازم نخواهد بود.

نظریه چهارم: چنانچه تغییرجنسیت از سوی زن و بدون اجازه شوهر باشد هیچ چیز بر شوهر لازم نیست، مطلقاً چه دخول شده باشد و چه نه. دلیل این گروه این است که شوهر که اقدام به ازدواج نموده و مهریه را به زوجه می‌پردازد، به این امید و هدف است که همسرش با او زندگی نماید. وقتی زن به واسطه تغییرجنسیت، خود را از زوجیت خارج می‌سازد، یک ضرر مالی بر شوهر وارد ساخته که ضامن آن است. پس اگر مهریه را دریافت داشت، باید تمام آن را به شوهر مسترد گرداند، و اگر دریافت نکرده حق دریافت آن را ندارد. ولی باید

توجه داشت که با توجه به گفته فقها و نیز براساس ماده ۱۰۸۲ و ۱۱۸۲ ق.م. مقتضای عقد نکاح این است که زن به مجرد عقد، مالک جمیع مهریه می‌گردد و فرض هم این است که زن با اقدام به تغییرجنسیت، حقیقتاً مالی را از شوهر تلف نموده است. مثلاً ملکی را تصرف نکرده و یا باغی را ویران نساخته، بلکه صرفاً تغییری در بدن خود ایجاد نموده است. کما اینکه اگر زن از دنیا می‌رفت، مهریه ساقط نمی‌شد.

#### ۶- ارث

فردی که تغییرجنسیت داده از والدین خود چه میزان ارث می‌برد؟ آیا جنسیت فعلی او ملاک است یا جنسیت قبل از تغییر؟ نیز پدریا مادری که تغییرجنسیت داده‌است، از فرزند خویش به چه اندازه‌ای ارث می‌برد، آیا جنسیت فعلی او مدنظر است یا جنسیت قبل از تغییر؟ این مسأله در دو حالت بررسی می‌شود.

حالت اول- ارث بردن فرد تغییرجنس داده از والدین خودش: باید گفته شود در اصل ارث بردن اینگونه افراد اختلافی وجود ندارد. همچنین در مورد اینکه آیا فرزند بعد از تغییرجنسیت بنابر جنسیت فعلی ارث می‌برد یا بنابر جنسیت قبلی نیز اختلافی وجود ندارد بلکه همه فقها معتقدند که جنسیت فعلی فرزند ملاک است. زیرا ظاهراً ادله شرعیه، فردی را که در حین موت مورث، مذکر یا مونث باشد اراده کرده اند. مثل آیه شریفه: «للمذکر مثل حظ الانثیین»<sup>۳۰</sup> (میراث پسر به اندازه سهم دو دختر باشد) همچنین قانون مدنی در ماده ۹۰۷ می‌گوید: «... اگر اولاد متعدد باشند و بعضی از آنها پسر و بعضی دختر، پسر دو برابر ارث می‌برد.»

حالت دوم- ارث بردن والدین تغییرجنس داده از فرزند خویش است: در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و دو احتمال مطرح است:

احتمال اول) والدین تغییر جنس داده، اصلاً از فرزند خود ارث نمی‌برند و رابطه ارثیت به طور کامل قطع می‌گردد. این احتمال بعید است؛ چون تغییرجنسیت از موانع ارث محسوب نمی‌شود. قانون مدنی ایران که متخذ از فقه امامیه است، به مواردی از موانع ارث اشاره دارد. در ماده ۸۸۰ می‌گوید: «قتل از موانع ارث است» در ماده ۸۸۱ می‌گوید: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد. . .» و در ماده ۸۸۲ و ۸۸۳ به موانع بودن «لعان» و «انکار سببیت» اشاره دارد و در ماده ۸۸۴ به «ولدالزنا» اشاره دارد. بنابراین نه در فقه امامیه و نه در قانون مدنی به موانع بودن تغییرجنسیت اشاره نشده و والدین تغییرجنس داده می‌توانند از فرزند خود ارث ببرند.

احتمال دوم) این است که ارث می‌برند ولی در این احتمال هم دو مبنا وجود دارد:

مبنای اول: ارث بردن به لحاظ زمان تولید مثل است.

مبنای دوم: ارث بردن به لحاظ خویشاوندی و اولویت است.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: «لکن اشکال باقی می‌ماند در ارث بر پدر، مادر، جد و جده که اگر پدر تغییرجنسیت دهد نه پدر فعلی محسوب می‌شود و نه مادر فعلی، و همچنین اگر مادر تغییرجنسیت داده باشد، مرد فعلی نه مادر است و نه پدر. در این صورت آیا از نظر حال انعقاد نطفه ارث می‌برند یا به خاطر خویشاوندی و اولویت، یا اینکه ارث نمی‌برند، تردید وجود دارد و بهتر است بگوئیم ارث می‌برند و ارث آنان به لحاظ انعقاد نطفه است و احتیاط مستحب این است که با هم مصالحه نمایند»<sup>۳۱</sup>

حضرت آیت الله مومن قمی نیز معتقدند: «برابر با عنوانی که اکنون بر این افراد صدق می‌کند ارث می‌برند»<sup>۳۲</sup>. زیرا دلیلی‌های ارث، مقدار ارث را بر مرد بودن و زن بودن مترتب کرده‌اند و ظاهر این دلایل نشان می‌دهد، مقصود کسی است که این ویژگیها را دارا باشد و این عنوانها در هنگام مردن مورث بر آنان صدق کند. بر این اساس، کسی که زن بوده و در هنگام مرگ مورث، به مرد تغییرجنسیت داده است دو برابر زن ارث می‌برد و عکس آن نیز صادق است.

#### ۷- تغییرجنسیت و مسأله عناوین خانوادگی

آیا اگر برادر و خواهر تغییرجنسیت دهند، رابطه برادر و خواهر به طور کامل قطع می‌گردد یا نه؟

امام خمینی (ره) در این باره معتقدند: نسبت آنها بعد از تغییرجنسیت قطع نمی‌شود بلکه برادر، خواهر می‌شود و خواهر برادر، و اگر عمویی تغییرجنسیت دهد تبدیل به عمه و اگر عمه‌ای تغییرجنسیت دهد تبدیل به عمو می‌شود و... توضیح بیشتر آنکه عناوین دو قسم است: ۱- عناوین مشترک مثل عنوان عمو، دایی، خاله و عنوان فرزندی ۲- عناوین مختص: الف) از قبیل عنوان پدر و مادر ب) از قبیل عنوان پسر، دختر، برادر و خواهر.

چنانچه عنوان خانوادگی از عناوین مشترک باشد، تغییرجنسیت فرد، هیچ تغییری در آن عنوان ایجاد نمی‌کند. مانند عنوان فرزندی، دایی و... به این معنا که اگر کسی تغییرجنسیت دهد از عنوان فرزندی خارج نمی‌شود و همچنین مثلاً اگر دایی فرد تغییرجنسیت دهد همچنان دایی او محسوب می‌شود و همچنین است عنوان عمو و خاله و...

اما اگر عنوان خانوادگی از عناوین مختص (قسم الف) باشد مثل عنوان پدر بودن یا مادربودن، سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر پدر تغییر جنسیت دهد آیا بر او عنوان «مادر» صادق است یا نه و نیز چنانچه مادر تغییر جنسیت دهد آیا عنوان «پدر» بر او قابل صدق است یا نه؟ در جواب باید گفت: از آنجایی که عنوان پدری و مادری به لحاظ انعقاد نطفه است پس با تغییر جنسیت این عنوان همچنان باقی است و عنوان پدر به عنوان مادر تبدیل نمی‌شود و بالعکس. این مطلب در مورد «جد» و «جده» هم جریان دارد یعنی با تغییر جنسیت عنوان پدر بزرگ به عنوان مادربزرگ تبدیل نمی‌گردد و بالعکس.

اگر عنوان خانوادگی از عناوین مختص (قسم ب) باشد، حالت کنونی ملاک و مبنا است مثل عنوان پسر، دختر، خواهر، برادر. پس اگر پسر تغییر جنسیت دهد، عنوان دختر را پیدا می‌کند و نیز اگر «برادر»، «عمو» و «دایی» تغییر جنسیت دهند، عنوانشان به «خواهر»، «عمه» و «خاله» تبدیل می‌شود.

بنابراین هرگاه مادر جنس خود را تغییر دهد و به مرد تبدیل شود ازدواج او با دخترانش حرام است زیرا گفتیم که عنوان پدر و مادر بعد از تغییر جنسیت همچنان باقی است و همچنین عموم آیه «حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم...» این مورد را دربرمی‌گیرد به این دلیل که موضوع حرام بودن که نکاح دختر باشد موجود است. زیرا پیشتر گفته شد که دختر برای مرد جدید هم دختر است.

نگاه مادر، پس از آن که به مرد تغییر جنسیت داده به پسرانش اشکال ندارد<sup>۳۳</sup>، زیرا از باب نگاه کردن به همجنس است و اما نسبت به دخترانش اگر استصحاب جایز بودن نگاه کردن جاری شود که پیش از تغییر جنسیت این جواز برای هر دو ثابت بود، نگاه کردن بلامانع است.

و هرگاه جنس پدر، تغییر کند و به زن تبدیل شود ازدواج او با پسرانش حرام است زیرا گفته شد که او هنوز پدر فرزندانش به شمار می‌رود. ولیکن نگاه او به این پسران و نگاه آنان به وی جایز است. دلیل برجایز بودن نگاه کردن آن است که سخن خداوند در سوره نور که در مورد جایز بودن نگاه کردن و واجب نبودن پوشش است او را دربرمی‌گیرد و نشان می‌دهد که نگاه او به پسرانش جایز است چرا که یکی از موارد استثناء در این آیه «او ابنائهن<sup>۳۴</sup>» است.

اگر جنس مادر تغییر کند و به مرد تبدیل شود، پیداست که ازدواج او با همسر پسرانش حرام است زیرا عموم آیه‌ای که ازدواجهای حرام را بیان می‌کند<sup>۳۵</sup> او را نیز دربرمی‌گیرد به این دلیل که ضمیر در آیه «... وحلائل ابنائکم» فردی را که تازه جنسیت مرد پیدا کرده نیز شامل می‌شود.

هرگاه جنسیت زن تغییر کند و به مرد تبدیل شود، مشکل است بتوان به حرام بودن ازدواج او با مادرشوهر پیشین خود، حکم کرد<sup>۳۶</sup>، چنانکه حکم به جایز بودن نگاه کردن او به این مادرشوهر و برعکس مشکل است و دلیل این اشکال آن است که هیچ کدام از عنوانهایی که سبب حرام بودن می‌شوند بر مادرشوهر صدق نمی‌کند و اما این که جایز بودن نگاه کردن هر کدام از این دو به دیگری، سبب عنوان «نسائهن» باشد. این عنوان در حال حاضر منتفی شده است با این وجود امام خمینی (ره) در تحریر نوشته‌اند: «اگر جنس همسر پسر تغییر کند و به مرد مبدل شود، آیا وی بر مادرشوهر سابق خود حرام می‌شود؟ حرام بودن او خالی از اشکال نیست».

## ۸- شناسایی جنسیت جدید

از مجموع مواد قانونی و سیره عقلا و نظریه حقوقدانان استفاده می‌شود که شناسنامه معرف یک واقعه تاریخی صرف نیست بلکه معرف هویت حقوقی شخص است و چون نام و جنسیت شخص یکی از عناصر و نشانه‌های مهم هویت وی می‌باشد شخصی که با تغییر جنسیت نام و جنسیت او عوض شده مقامات عمومی نیز باید شناسنامه او را مطابق با جنسیت جدید اصلاح نمایند.

حال مرجع شناسایی جنسیت و نام جدید کیست؟

چرا که از یک طرف با استناد به اصل ۱۵۹ ق.اساسی دادگستری مرجع عام تظلمات و شکایات می‌باشد و از طرف دیگر طبق م ۳ قانون ثبت احوال: «در مقرره اداره ثبت احوال هیئتی به نام هیأت حل اختلاف مرکب از رئیس اداره ثبت و . . . تشکیل می‌شود وظایف هیئت حل اختلاف به قرار زیر است . . . بند ۴- ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نامهای ممنوع و . . .»

ممکن است گفته شود چون دادگستری مرجع عام رسیدگی به تظلمات بوده و هیات مذکور مرجع خاص رسیدگی به اختلافات ثبت احوالی است و در نتیجه در تعارض صلاحیت این دو مرجع، تقدم و ترجیح با صلاحیت هیات مذکور می‌باشد. زیرا صلاحیت عام دادگستری به وسیله م ۳ قانون ثبت احوال محدود گردیده ولی این احتمال ضعیف است زیرا صلاحیت هیأت مذکور نسبت به تمام موارد اختلافات ثبت احوالی مسلم نیست، زیرا اولاً این اختلاف ناشی از اشتباه کارمند نیست که در صلاحیت هیات باشد و ثانیاً ادعای تغییر جنسیت و حقوق مترتب بر آن یک موضوع کاملاً دارای ماهیت حقوقی قضایی بوده که مقام‌های قضائی باید

درباره آن اظهار نظر کنند. همانگونه که دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۵۰۴ این نظر را تأیید نموده است.

### ۹- قضاوت

می‌دانیم که زن در نظام قانونی و حقوقی کشورهای اسلامی و فقه امامیه نمی‌تواند متصدی امر قضاء و فتوا شود. حال اگر زنی با تغییر جنسیت، خود را تبدیل به مرد نماید، می‌تواند متصدی امر قضا شود؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در استفتائاتی که از ایشان به عمل آمده می‌فرماید: «جواب سؤال بسته به این است که با تغییر جنسیت واقعاً یک زن به مرد تبدیل می‌شود یا آنکه گریم اعضاء نموده است که در صورت گریم نمی‌تواند تحقق بخش شرط متصدی امر قضا گردد.»

### ۱۰- حضانت

م ۱۱۶۸ ق.م مقرر می‌دارد: «نگهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابویین است» و م ۱۱۷۲ ق.م مقرر می‌دارد «هیچ یک از ابویین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل به عهده آنهاست از نگهداری او امتناع کنند . . .» و بنابر م ۱۱۷۵ ق.م طفل را نمی‌توان از حضانت پدر و مادر گرفت مگر اینکه علت قانونی وجود داشته باشد و در اینجا هم علت قانونی وجود ندارد. زیرا عنوان پدری و مادری همچنانکه گفته شد بعد از تغییر جنسیت همچنان باقی است، لذا حضانت هم باقی است.



## ۱۱- لزوم اذن شوهر و مستأجر

۱- اگر اصل تغییرجنسیت را جایز بدانیم آیا چنین عملی برای زن بدون اجازه شوهرش جایز است یا خیر؟

می‌توان گفت دست زدن به چنین کاری بدون اجازه شوهر اگر مزاحم حق شوهر از قبیل تمتع از او و مانند آن باشد، خروج از اطاعت شوهر محسوب شده و داخل درعنوان نشوز است و نشوز هم به حکم قانون مدنی، قرآن و روایات نهی شده است.

همچنین اقدام شوهر به تغییرجنسیت نیز در صورتی که منافات با حق زن داشته باشد جایز نیست بنابراین تغییرجنسیت برای زن و مرد، اگر مزاحم با حق دیگر یا ضایع کننده آن باشد جایز نیست.

۲- در صورت جواز تغییرجنسیت آیا برای اجیر در مدتی که خود را به دیگری اجازه داده و شرط هم شده که اجیر به عنوان مرد یا زن مباشرت به کار داشته باشد جایز است که تغییر جنسیت دهد یا خیر؟

می‌توان گفت تغییرجنسیت در این فرض جایز نیست زیرا با وجوب عمل به عقد اجاره منافات دارد و مستلزم از بین رفتن حق غیر بدون اذن اوست لذا اجیر حق ندارد در مدت اجاره کاری کند که با حق مستأجر منافات داشته باشد مگر اینکه از او اجازه بگیرد.

## بخش چهارم: بررسی آثار تغییرجنسیت از دیدگاه قوانین کیفری

## ۱- شهادت

در خصوص اینکه شهادت زنان پس از تغییرجنسیت و تبدیل به مرد شدن - در مواردی که مرد بودن شاهد شرط است - پذیرفته می‌شود یا خیر؟ باید گفته شود

طبق نظر مراجع عظام حضرت امام خمینی (ره)، خامنه‌ای، صانعی، مکارم شیرازی، تغییری در وضعیت حقوقی افراد بعد از انجام عمل جراحی تغییرجنسیت ایجاد نشده و اگر مرد بود شهادتش به عنوان یک مرد استماع می‌شود ولو اینکه آثار و علائم مربوط به جنس مخالف را دارد و بالعکس.

### ۲- حدود

مثلاً اگر فردی که با تغییرجنسیت مرد شده مرتکب عمل منافی عفت شود، آیا زنا و لواط بر عمل او صدق می‌کند و آیا حدود الهی بر او جاری می‌گردد و یا فقط مرتکب عمل نامشروع شده که به حسب مورد تعزیر می‌شود؟ مراجع تقلید در این زمینه متفق‌القولند که در مبحث راجع به حدود الهی و مشخصاً مواد ۶۳ و ۱۰۸ ق مجازات اسلامی فرقی میان افراد دگرجنسیت‌گرا با سایر افراد جامعه نیست.

### ۳- قصاص

اگر کسی که با تغییرجنسیت مرد شده، چنانچه توسط مرد دیگری به قتل برسد، آیا برای قصاص قاتل باید تفاضل دیه پرداخت شود؟ با توجه به اینکه جنسیت قبلی این فرد معلوم است و می‌دانیم که زن بوده و حال با تغییرجنسیت این شک پدید می‌آید که موجبی برای ازدیاد دیه وی و قصاص نفس پدید آمده است یا نه؟ به نظر می‌رسد استصحاب جاری شده و باید تفاضل دیه به قاتل پرداخت شود. حضرات آیات نوری همدانی و سیستانی معتقدند در این صورت باید تفاضل دیه پرداخت شود.

## ۴- دیه

پرداخت دیه جنایت به جهت خطای محض یکی از آثاری است که به تغییرجنسیت مترتب می‌شود. اگر خانمی با تغییرجنسیت مرد گردد «براساس استفتائات به عمل آمده از مراجع تقلید، حضرات آیات نوری همدانی و فاضل لنکرانی نمی‌توان علیه چنین شخصی به عنوان عاقله ادعایی مطرح نمود زیرا بستگان ذکور پدری و مادری به ترتیب طبقات ارث جزو عاقله قرار می‌گیرند و زنان از این حکم معافند.»

## نتیجه

عمل اصلاح و یا تغییرجنسیت در عمل ممکن است بر روی یکی از اشخاص زیر انجام گیرد:

(۱) یا بر روی کسی انجام می‌شود که در بدن تنها یک آلت دارد لیکن پوست آنرا پوشانده و با عمل جراحی این پوست را برداشته می‌شود تا صورت واقعی آلت آشکار گردد، یا این عمل جراحی بر روی کسی انجام می‌شود که هر دو آلت را دارد (هم آلت تناسلی مرد و هم آلت تناسلی زن را) در اینصورت یکی از این دو را از ریشه برمی‌کنند تا آلت دیگر تقویت شده و رشد کند و صاحب آن به وظیفه خود عمل کند. عمل جراحی بر روی شخص اول به هیچ‌وجه تغییرجنسیت به شمار نمی‌آید بلکه از باب کشف واقعیتی است که پرده یا پوشش آنرا پوشانیده و دلیلی برای حرام یا واجب بودن این عمل وجود ندارد، مگر اینکه ترک عمل جراحی سبب شود شخص در حرام بیفتد یا واجبی از او ترک شود که در اینصورت از باب مقدمه واجب بر او واجب است که عمل جراحی را انجام دهد.

در مورد عمل جراحی شخص دوم که به آن (خنثای جسمی) گفته می‌شود نیز دلیلی بر حرام بودن عمل تغییرجنسیت یا همان اصلاح جنسیت وی وجود ندارد. (۲) و یا عمل تغییرجنسیت بر روی فردی انجام می‌شود که تنها یک آلت تناسلی دارد و از زمره مردان یا زنان به شمار می‌آید و هیچ گونه نقصی در آلت تناسلی وی وجود ندارد ولی به دلایل روانی خواستار تغییرجنسیت است (خنثای روانی) در این مورد اختلاف نظر وجود داشته و نظرات زیر ابراز شده است:

۱- مشروعیت مطلق

۲- ممنوعیت مطلق

۳- مشروعیت مشروط

که نظریه اخیر طرفداران کثیری داشته و برگزیده‌تر و علمی‌تر است چرا که موضوعی که در علم پزشکی به عنوان تغییرجنسیت مشهور شده بر نظریه سوم منطبق‌تر است. بنابراین تغییرجنسیت در صورتی که با رعایت تمام استانداردهای روز پزشکی برحسب تشخیص متخصص انجام شود با قواعد و اصول حقوق منطبق و با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایر نیست. همچنین گفته می‌شود که پزشکان این گونه افراد را جزء بیماران به شمار می‌آورند نه منحرفان. بنابراین با توجه به سیره عقلاء مبنی بر لزوم درمان درد تا حد امکان و احادیث تشویق کننده مریض برای مراجعه به طبیب می‌توان نتیجه گرفت که تغییرجنسیت این گروه (خنثای روانی یا ترانس سکسوال) مشروع و مجاز می‌باشد. (البته به تشخیص پزشک متخصص قابل اعتماد از باب رجوع به اهل خبره). امام خمینی نیز در انتهای جلد دوم کتاب تحریرالوسیله از بیماران نام می‌برد که از لحاظ روانی، اعتقاد به جنس

مخالف دارند که تغییرجنسیت این گونه افراد را بلامانع اعلام کرده‌اند، البته در صورتی که از سوی گروهی از پزشکان متخصص تأیید شود

۳) و تنها تغییرجنسیت یک گروه افراد نامشروع است و آن افرادی هستند که مشکل جنسی نداشته و علائم جنسی بدن آنها با گرایش جنسی روانی‌شان مطابق است، چرا که تغییرجنسیت این افراد مخالف اخلاق حسنه و نظم اجتماعی و شرع است. و پزشکان این گروه از افراد را در زمره منحرفان قرار می‌دهند که سوگیری جنسی آنها دچار انحراف شده است و اختلال روانی خاصی ندارند.

از لحاظ شرعی افراد ترانس سکسوال (خنثای روانی) باید براساس جنسیت ظاهری‌شان به انجام وظایف شرعی‌شان بپردازند.

در حقوق موضوعه ایران شخصی که مطابق استانداردهای پزشکی تغییرجنسیت داده حق دارد که تقاضای اصلاح شناسنامه خود را از دادگاه‌های ذیصلاح کرده تا اینکه جنسیت و نام جدید او درج گردد.

والدین دگرجنسیت‌خواه بعد از انجام عمل جراحی حق حضانت نسبت به فرزندان خود را از دست نمی‌دهند. ولی طبق فرموده امام (ره) پدر بعد از عمل تغییرجنسیت و تبدیل به زن حق ولایت نسبت به فرزندش را از دست داده و مادر نیز بعد از انجام عمل جراحی صاحب حق مزبور نخواهد شد.

برطبق نظرات مراجع عظام در اموری چون ارث، قصاص، حدود و دیات و شهادت و مهریه براساس جنسیت واقعی فرد رفتار خواهد شد (جنسیت قبل از تغییر) ولی از حیث احکام و تکالیف شرعی جنسیت ظاهری او معیار تلقی می‌گردد.

به منظور بهبود و اصلاح وضعیت افراد متقاضی «تغییرجنسیت» پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- تصویب قوانین مناسب در راستای تعیین وضعیت حقوقی افراد دگرجنسیت‌خواه (ترانس سکسوال، خنثای روانی یا فرد خواستار تغییرجنسیت)
- ۲- شناختن عوامل مؤثر در تمایل مزبور، اعم از پدیده‌های زیستی، روانی، اجتماعی و..
- ۳- راه‌اندازی یک سیستم گسترده بانک اطلاعاتی افراد متقاضی تغییرجنسیت جهت تحت پوشش قرار دادن کل کشور.
- ۴- تشکیل واحد بازرسی به منظور نظارت بر حسن اعمال تغییرجنسیت و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی.
- ۵- تأسیس انجمنی تحت عنوان «انجمن حمایت از بیماران ترانس سکسوال»
- ۶- حمایت از پژوهش‌هایی جهت ملاحظه وضعیت روان‌شناختی افراد دگرجنسیت‌خواه پس از انجام عمل جراحی.

## پی نوشت‌ها

- ۱- مهرابی، فریدون، «بررسی برخی از ویژگی‌های دگرجنسیت خواهی در بیماران ایران»، ۱۳۷۴،
- ۲- دیانی، عبدالرسول، «حقوق اخلاق پزشکی (بیواتیک) و اصلاح جنسیت»، ۱۳۸۰، ص ۱۱ به نقل از: Lindisponibilite de Letat de Personne.
- ۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۷، صفحه ۵۷۶، ابواب میراث خنثی باب ۲، حدیث ۵
- 4- sex psychologique
- 5- trans sexual
- ۶- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران، کاظمینی، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۷- مومن قمی، همان منبع، ص ۹۴
- ۸- خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۶۲۶
- ۹- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، حقوقدان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۲
- ۱۰- مدنی تبریزی، یوسف، المسائل المستحدثه، چ پنجم، بی جا، دانش، بی تا، جلد ۱، ص ۴۹
- ۱۱- طباطبائی، علی، ریاض المسائل، بیروت، دارالهدی، ۱۴۱۲ق، جلد ۲، ص ۶۴۳
- ۱۲- دیانی، عبدالرسول، همان منبع، ص ۱۱
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، چ دوم، تهران، مدرس، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۴
- ۱۴- خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۶۲۶
- ۱۵- مومن قمی، همان منبع، ص ۱۶۳
- ۱۶- خوبی، ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ترجمه محمدعلی توحیدی، قم، انصار، بی تا، جلد ۱، ص ۱۰۲
- ۱۷- صفایی، حسین، و امامی، اسد الله، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۵
- ۱۸- مومن قمی، همان منبع، ص ۹۸
- ۱۹- خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۶۳۱
- ۲۰- خامنه‌ای، همان منبع، ص ۹۳
- ۲۱- خمینی، همان منبع، ۶۶۲
- ۲۲- مومن قمی، همان منبع، ص ۱۰۴
- ۲۳- خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۲۴- امام خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۶۲۷
- ۲۵- صانعی، یوسف، استفتائات پزشکی، قم، انصار، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴ و ۱۲۵
- ۲۶- امام خمینی، همان منبع، ج ۲، ص ۵۹۹، مساله ۳
- ۲۷- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۵، باب ۵۴، حدیث ۱
- ۲۸- قانون مدنی، ماده ۱۰۹۲
- ۲۹- خامنه‌ای، همان منبع، ص ۹۲
- ۳۰- سوره نساء، آیه ۱۱
- ۳۱- خمینی، همان منبع، ص ۵۶۴
- ۳۲- مومن قمی، همان منبع، ص ۱۰۸
- ۳۳- مومن قمی، همان منبع، ص ۱۰۱
- ۳۴- ... و حلائل ابناکم الذین من اصلابکم، آیه ۲۳، سوره نساء

۳۵- حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم . . . ، آیه ۲۳، سوره نساء

۳۶- مومن قمی، همان منبع، ص ۱۱۴

### فهرست منابع

#### الف) کتابها

قران کریم

دکتر صفایی و دکتر امامی، حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۱، ۱۳۷۴  
اصغری سیدشکرالله، سیستم کیفری اسلام و پاسخ به شبهات، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ دوم، بی تا.

خامنه‌ای سیدعلی، پزشکی در آیین اجتهاد، استفتائات پزشکی، مؤسسه انصار، چاپ اول، ۱۳۷۵.

صانعی یوسف، استفتائات پزشکی، قم، میثم تمار، ۱۳۷۷.

خوئی ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، ترجمه محمدعلی توحیدی، قم، مؤسسه انصار، جلد ۱، بی تا.

مدنی تبریزی، مسائل مستحدثه، بی جا، چاپخانه دانش، جلد ۱، چاپ پنجم، بی تا.

قضائی صمد، پزشکی قانونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۳.

شاملو سعید، روانشناسی شخصیت، تهران، رشد، ۱۳۷۲.

کاپلان، اچ، رسادوک، بی، خلاصه روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پورافکاری، تبریز، سحر، ۱۳۷۲.

رئیس فیروزه و ناصحی عباسعلی، اختلال هویت جنسی، تهران، تهران، ۱۳۸۲.

شهیدی مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، انتشارات حقوقدان، ج ۱، ۱۳۷۷.

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد دوم و سوم، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، چاپ سی و یکم، ۱۳۸۰.

کاتوزیان ناصر، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، تهران، مدرس، ج ۱، چاپ دوم ۱۳۷۲.

قانون مدنی و قانون ثبت احوال.

محمدی ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران، تهران، ۱۳۷۰.

امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، تهران، انتشارات کاظمینی، ج ۲، ۱۳۶۶.

عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، تهران، دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.

طباطبائی سیدعلی، ریاض المسائل، بیروت، دارالهادی، جلد ۲، ۱۴۱۲.

مومن شیخ محمد، کلمات سدیده، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸ه.ق.

#### ب) مقالات

مومن قمی محمد، «سخنی درباره تغییرجنسیت»، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، شماره ۷، سال دوم،

پائیز ۱۳۷۵.



بادیکو علیرضا، «وضعیت تغییرجنسیت»، فصلنامه اندیشه‌های حقوقی، شماره ۵، سال اول، زمستان ۱۳۸۲.  
 کاهانی علیرضا، «درخواست تغییرجنسیت ۲۰۰ مرد در ایران»، هفته‌نامه تپش، شماره ۱۳۵۳/۳/۳۰/۵۳  
 مهرابی فریدون، «بررسی برخی از ویژگیهای دگرجنسیت‌خواهی در بیماران ایرانی»، فصلنامه اندیشه و  
 رفتار، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۷۴.

خرازی سیدمحمدحسن، «تغییرجنسیت» مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز  
 ۱۳۷۹.

معمدی سیدهادی، «معضل دوجنسیتی» هفته‌نامه ماهان، شماره ۸۵، سال ۱۳۸۲.  
 بحاریان بهمن، و خداریمی سیامک، «دوگانگی جنسی»، فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، سال سوم، شماره  
 ۹ و ۱۰.

دیانی دکتر عبدالرسول، «حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت»، ماهنامه حقوقی فرهنگی و اجتماعی  
 دادرسی، سال پنجم، آذر و دی ۱۳۸۰.

#### ج) پایان‌نامه‌ها

رنجبر شایان، حسین، «بررسی و مقایسه ویژگیهای شخصیتی افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی و افراد  
 عادی» برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه تهران، سال  
 ۱۳۸۲.

محمدی، خسرو، بررسی ویژگی‌های شخصیتی متقاضیان تغییرجنسیت مراجعه کننده به سازمان پزشکی  
 قانونی کشور، برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، سال ۱۳۷۸.

#### د) منابع اینترنتی

- 1- [www.balagh.net](http://www.balagh.net)
- 2- [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)
- 3- [www.imam sadeg.com](http://www.imam sadeg.com)
- 4- [www.alesia.com](http://www.alesia.com)

#### یادداشت شناسه مؤلف

داود نوجوان؛ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق خصوصی دانشگاه مذاهب اسلامی.